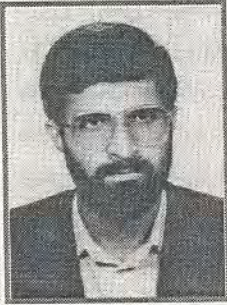




تصحیح

نام نویسندگان (۱)



سید حسن فاطمی

نسبت داده شده را به صورت عنوان می‌آوریم و در ذیل آن، نام درست را بر اساس گفته آقابزرگ می‌آوریم.

فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰)، ازاحة العله

شیخ حر عاملی در پاره‌ای از تصانیفش کتاب ازاحة العله را به فضل بن شاذان نیشابوری نسبت داده است، حتی در پایان هدایة الامه تصریح می‌کند که این کتاب در عصر ائمه (ع) تألیف شده است؛ زیرا فضل بن شاذان از امام رضا (ع) و امام جواد (ع) روایت می‌کند.

پیش از شیخ حر، سید حسین بن حسن حسینی - از طبقه شاگردان محقق کرکی - مرتکب این اشتباه شده است. وی عهده‌دار کتاب حاشیه محقق کرکی بر شرایع بوده و در پایان آن، رساله ازاحة العله را آورده است و بر آن چنین نوشته: «لأنه للشيخ سديدالدين الفضل بن شاذان بن جبرئيل». جزماً وی در اثر سهو قلم لفظ «ابی» را پیش از «الفضل» انداخته و لفظ «ابن» را پس از آن آورده است. آن را در کتابخانه آیت‌الله مجدد شیرازی دیده‌ام.

نام صحیح نویسنده ازاحة العله، شیخ سدیدالدین ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل بن ابی طالب قمی است و کتاب فضائل معروف به مناقب نیز از او می‌باشد. در مقدمه ازاحة العله تصریح می‌کند که آن را در سال ۵۵۸ نگاشته و علامه مجلسی تمام آن را در باب قبله مجلد مربوط به نماز آورده است. (ج ۱، ص ۵۲۷)

شیخ صدوق (م ۳۸۱)، جامع الاخبار

کتاب از سال ۱۲۸۷ بارها چاپ و به شیخ صدوق نسبت داده‌اند. اما این انتساب هیچ اصل و اساسی ندارد و اصحاب در تعیین نویسنده آن اختلاف نظر دارند. نویسنده قطعاً شیخ صدوق نیست؛ چنان که میرزا حسین نوری در نفس الرحمان یادآور شده و آن را در خاتمه مستدرکه صفحه ۳۶۶ تفصیل داده و تا هفت نفر را شمرده که احتمالاً مؤلف، یکی از آنها باشد.

ظاهراً نویسنده جامع الاخبار در اواخر قرن ششم می‌زیسته است؛ زیرا

ثبت نام درست و دقیق نویسندگان از امور مهم به‌شمار می‌رود و چه بسا لغزش در آن، لغزشهای فراوان دیگری را در پی داشته باشد. در عین حال در کتاب‌های گوناگون، فراوان پیش آمده است که نام نویسنده را اشتباه ضبط کرده‌اند. چه بسا کتابی را به نویسنده‌ای برجسته - که پژوهشگران به کلمه کلمه سخنان او اهمیت می‌دهند - نسبت داده‌اند، اما پس از بررسی معلوم می‌شود که چنین نسبتی نادرست است.

نظر به اهمیت نام نویسنده، مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق) در شناسایی کتاب‌ها دقت زیادی نسبت به نام پدیدآورندگان آنها به خرج داده و در کتاب گرانسنگ الذریعه الی تصانیف الشیعه اشکالات زیادی به کتاب‌های مختلف در ضبط نام نویسندگان مطرح کرده است. مناسب دانستیم این بخش از ایرادات را در حد توان گرد آورده و یکجا در اختیار پژوهشگران قرار دهیم. درخور توجه است که پاره‌ای از انتقادات مربوط به کتاب‌هایی است که در دسترس نیستند و یا این که مورد توجه نیستند و چه بسا در نگاه اول چندان مهم جلوه نکنند، اما فراوان دیده شده که آن لغزش به منابع دیگر نیز راه یافته است. بنابراین ایراداتی که در این مقاله به یک کتاب مطرح می‌شود، همواره تنها متوجه همان کتاب خاص نیست.

قبلاً تذکر چند نکته، لازم به نظر می‌رسد:

الف) بنای ما بر این است که اشکالات را با دلیل ذکر کنیم. هر جا دلیل نیامده به این معنا است که خود شیخ - دست کم در آن قسمت که آدرس داده‌ایم - دلیلی را ذکر نکرده است.

ب) مطالبی که در پی می‌آید عین ترجمه ذریعه نیست، بلکه در موارد فراوان ناچار به تلخیص شدیم یا این که یک اشکال برگرفته و تلفیقی از مطالب در چندجای کتاب است و نیز معمولاً عبارات ذریعه را جابه‌جا کردیم و در قالب دیگری عرضه کرده‌ایم.

ج) نظر به این که شیخ آقابزرگ کتابشناس برجسته‌ای بود، اشکالات احتمالی او نیز باید مورد توجه قرار گیرد. لذا آنچه را ایشان به صورت احتمال بیان می‌کند نیز می‌آوریم.

د) جهت بیان هر اشکال، نام اشتباه نویسنده و نام کتابی که به او

ابن غضائری، کتاب الضعفاء

پس از تتبع به دست آوردیم سید جمال الدین ابوالفضائل احمد بن طاووس حسینی حلی (م ۶۷۳) نخستین کسی است که کتاب را یافته و آن را به صورت پراکنده در حل الاشکال فی معرفة الرجال (تألیف ۶۴۴) آورده است. در آن عبارات پنج کتاب رجالی زیر را جمع کرده است:

رجال الطوسی، فهرست شیخ طوسی، اختیار الکشی، نجاشی و کتاب الضعفاء.

وی پس از ذکر نام کتاب در آغاز، می‌نویسد: «ولی بالجمع روایات متصلة عدا کتاب ابن الغضائری» این سخن سید نشان می‌دهد که در نقل مطالب کتاب ضعفاء از کسی روایت نمی‌کند و تنها آن را به صورت منسوب به او یافته است.

سپس به پیروی از سید بن طاووس، دو شاگرد او علامه حلی (م ۷۲۶) در خلاصه و ابن داود در رجالش (تألیف ۷۰۷) عین عبارات حل الاشکال را ذکر کرده‌اند. سپس همه متأخرین از علامه و ابن داود عبارات ضعفاء را از این دو نفر نقل کرده‌اند؛ زیرا متأخرین از سید بن طاووس نسخه او را در اختیار نداشتند و تنها به آنچه وی در حل الاشکال نقل کرده بود، دست داشتند.

نقل سید به معنای اعتبار کتاب ضعفاء در نظر او نیست بلکه برای این است که خواننده به همه آنچه در مورد افراد گفته شده، آگاهی یابد تا بتواند به شایستگی به قضاوت بنشیند.

کتاب حل الاشکال به خط سید بن طاووس تا سال هزار و اندی موجود بوده است. کتاب به دست مولی عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱) می‌رسد و چون آن پاره و در معرض تلف بوده است، عبارات کتاب ضعفاء را استخراج و به ترتیب القیا تنظیم می‌کند و در آغاز آن علت این که تنها آن را استخراج کرده، بیان می‌کند. سپس شاگرد او مولی عنایت الله قهپایی تمام آنچه را مولی عبد الله استخراج کرده بود در مجمع الرجال - که در آن کتاب‌های رجالی پنج‌گانه را با خطبه‌ها جمع

کرده - به صورت پراکنده آورده است.

مراد از ابن غضائری، ابوالحسین احمد بن ابی عبدالله حسین بن عبيدالله بن ابراهيم غضائری است. وی معاصر شیخ طوسی و ابوالعباس نجاشی بوده و وفات او در زمان حیات آن دو و پیش از تألیف دو کتاب رجالی‌شان بوده است؛ زیرا هر جا از او یاد می‌کنند، از خداوند برای وی طلب رحمت می‌کنند. حتی ظاهر عبارت شیخ طوسی این است که از وفات او در چهل سالگی تأسف می‌خورد.

شیخ طوسی در آغاز فهرست بیان می‌دارد که در میان اصحاب تنها ابن غضائری در گردآوری فهرست تصانیف و اصول اصحاب حق مطلب را

در آن از شیخ سیدالدین حمصی (زنده در ۵۸۳) و ابو المؤید موفق خوارزمی (م ۵۶۸) و روضةالواعظین نقل می‌کند و ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) روضةالواعظین را بر مؤلفش خواند. (ج ۵، ص ۳۳ - ۳۵ توضیحات بیشتری در مورد نویسنده جامع الاخبار آمده. برای آگاهی بیشتر به ذریعه مراجعه شود.)

ابو احمد جنید سمرقندی، رجال

وی از غلامان عیاشی است و فهرست تصانیف وی را نوشته است. نام او در فهرست ابن ندیم به صورت فوق آمده که ظاهراً «جنید» از اشتباه کاتب آن است و درست آن «حیدر» می‌باشد؛ چنان که در رجال شیخ طوسی، فهرست او، خلاصه، رجال ابن داود و... آمده. (ج ۱۰، ص ۱۰۷ و ۱۱۴)

محمد مهدی بن محمد باقر فروغی، سفینه الانشاء

سفینه الانشاء تألیف میرزا محمد منشی نایینی ملقب به فروغ است. در فهرست کتابخانه مدرسه سیهسالار، جلد دوم استظهار شده که نویسنده سفینه الانشاء همان میرزا محمد مهدی بن محمد باقر فروغی اصفهانی (۱۲۲۳ - بعد ۱۲۸۸) صاحب تذکرة الشباب است. این استظهار درست نیست؛ زیرا: الف) میرزا محمد در رئای فتح علی شاه (م ۱۲۵۰) گفته است:

شمار عمر ز هفتاد و شش گذشت و مرا

نظر به چهره خوبان چارده ساله است
بنابراین میرزا محمد در سال ۱۱۷۴ به دنیا آمده و اگر شعر فوق را «ز پنجاه و شش» بدانیم، وی در سال ۱۱۹۴ متولد شده اما تولد میرزا محمد مهدی ۱۲۲۳ می‌باشد.

ب) منشآت میرزا محمد در سفینه الانشاء جمع شده و برخی تاریخ‌های آن عبارت است از: ۱۲۱۴ و ۱۲۱۶ و ۱۲۱۹ یعنی چند سال پیش از تولد میرزا محمد مهدی. (ج ۱۳، ص ۱۹۳ - ۱۹۴)

سید بن طاووس، الزام النواصب

الزام النواصب در سال ۱۳۰۳ در ایران چاپ شده. نویسنده کشف الحجب می‌گوید: «برخی آن را به سید بن طاووس نسبت داده‌اند.» شیخ حر عاملی آن را در میان کتاب‌هایی ذکر کرده که به نویسنده آنها دست نیافته است. اما سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م ۱۱۲۱) در رساله‌اش که در شرح حال علمای بحرین است، تصریح کرده که نویسنده آن مفلح بن حسن صیمری صاحب غایة المرام فی شرح شرایع الاسلام و کشف الالباس عن موجز ابی العباس است. (ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۹۰)

ادا کرده و به هر چه در این زمینه توانسته دست یابد، در دو کتاب مصنفات و اصول، گردآورده است. اما هیچ یک از اصحاب ما این دو کتاب را استنساخ نکرد تا اینکه وی از دنیا رفت و بعضی از وارثان او این دو کتاب و دیگر نوشته‌هایش را از بین بردند.

صریح کلام شیخ طوسی این است که وارثان، همه آثار ابن غضائری را از بین برده‌اند. شاید علت آن شدت غم از دست رفتن ابن غضائری بوده و وارثان جاهل با از بین بردن آنها خواسته‌اند که با دیدن آنها، ناراحتی‌شان تجدید نشود. نجاشی تصنیفی غیر از تاریخ برای او ذکر نکرده، اما عبارت او صراحت در این ندارد که وی کتابی به نام تاریخ داشته است؛ زیرا احتمال دارد ضمیر در «تاریخ» به «موت البرقی» عود کند، یعنی مراد او چنین است: «قال ابن الغضائری فی تاریخ موت البرقی کذا».

پس از عصر شیخ و نجاشی نسبت کتاب ضعفاء یا غیر آن را تا عصر سید بن طاووس، به ابن غضائری نیافتیم. تا اینکه او کتاب مذکور را یافت و در ضمن کتابش آورد با تصریح به اینکه صحت نسبت را تأیید نمی‌کند.

به هر حال نسبت دادن کتاب ضعفاء به ابن غضائری مشهور - که از بزرگان و از شیوخ طایفه و از مشایخ نجاشی است - اجحاف زیادی در حق او است. او اجل از آن است که بی‌باکانه اقدام به هتک استوانه‌های دین کند به گونه‌ای که از جرح او احدی از معروفان به تقوا و عفاف در امان نباشد. ظاهراً نویسنده این کتاب، یکی از دشمنان بزرگان شیعه است که هدف او ایجاد فتنه در میان آنان بوده و برای به اشتباه انداختن خواننده، پاره‌ای از گفته‌های ابن غضائری را نیز در ضمن آن آورده است. (ج ۴، ص ۲۸۸ - ۲۹۰ پاورقی و ج ۱۰، ص ۸۸ - ۸۹)

جابر بن حیان (م ۲۰۰)، رسالة فی الاسطرلاب

کتاب فوق در فهرست تصانیف او آمده. شاید «الاسطرلاب» تصحیف «الاسطقس» باشد که در فهرست ابن ندیم، صفحه ۵۰۰ آمده است. (ج ۱۱، ص ۷۱)

علی بن محمد بن نورالدین بن نعمت الله موسوی جزائری شوشتری (م ح ۱۲۱۰)، رسالة فی الاسطرلاب

تکمله به نقل از تحفه، کتاب فوق را به ابن نویسنده نسبت داده است. اما در تحفه چیزی که این مطلب را برساند وجود ندارد؛ بلکه در آن آمده است: تعدادی کتاب از جمله رسالة اسطرلاب نزد سید علی بن محمد خوانده شده بدون اینکه ذکری از نام نویسنده آن به میان آید. (ج ۱۱، ص ۷۱)

محمد بن علی علوی شجری، حکایت حضور شخصی در جزیره صاحب الزمان (عج)

حکایت فوق با سلسله سند آن در پایان نسخه تعازی تألیف شجری آمده است و میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک، صفحه ۳۷۰ در مورد

این کتاب می‌نویسد: «این الخبر الذی یذکر فیہ بلاد اولاد الحجة (ع) من خواص هذا الکتاب». ظاهر آن این است که وی داستان را جزء کتاب دانسته است. همچنین مؤلف الاربعین این خبر را به شجری نسبت داده و منشأ آن این بوده که این نسخه از تعازی را دیده که در پایان آن، حکایت فوق آمده است و آن را جزء کتاب پنداشته. این امر سبب شده که محدث جزائری در الاتوار النعمانیه، نور ۴۴، چاپ تبریز، ۱۳۰۱، ص ۱۴۸ به نقل از علی بن فتح الله کاشانی از شجری حکایت را نقل کند. دقت در حکایت نشان می‌دهد که این واقعه نزدیک به دویست سال پس از شجری رخ داده، بنابراین حکایت نمی‌تواند جزء کتاب تعازی باشد و نمی‌توان آن را به شجری نسبت داد. توضیح اینکه شخص جلیل القدری بدون این که نام و شخص او معلوم باشد، چند سال پیش از فوت وزیر، عون الدین یحیی بن هبیره (م ۵۶۰) مهمان او بود و وزیر به او زیاد احترام می‌گذاشت و به سخنان او گوش فرا می‌داد. شبی وی چگونگی رسیدن او با پدر و جمعی دیگر از تجار مسیحی و مسلمان به آن جزیره را مفصل نقل کرد.

شجری در ابتدای نقل احادیث تعازی از ابوالحسن علی بن عباس بجلی - از مشایخ ابو الفرج اصفهانی (م ۳۵۶) و ابوالفضل شیبانی (م ۳۸۵) - روایت می‌کند. از آن به دست می‌آید که مؤلف تعازی معاصر ابوالفرج و ابوالفضل بوده و نزدیک به دویست سال پیش از عون الدین یحیی بن هبیره می‌زیسته است. بنابراین حکایت جزء کتاب تعازی نیست. (ج ۵، ص ۱۰۶ - ۱۰۸ پاورقی)

حسین کوزه کنانی اصفهانی، زینة الحکایات

وی منشی دفتر فتح علی شاه بوده است. دانشمندان آذربایجان، صفحه ۱۱۷ از نگارستان داره نام او را «میرزا حسین» نوشته است، اما صحیح «میرزا محمد رحمت» است؛ چنان که در مجمع الفصحاء، جلد ۲، صفحه ۴۵۲ آمده است و در ذریعه، جلد ۹، صفحه ۳۵۶ یادآور شدیم. (ج ۱۲، ص ۹۲)

ابونصر سهل بن عبدالله بخاری، انساب آل ابي طالب

کتاب انساب آل ابي طالب در سال ۵۹۲ (پایان قرن ششم) تدوین شده، اما ابونصر در قرن چهارم می‌زیسته است؛ زیرا وی از محمد بن نوح جندی شاپوری (م ۳۲۱) روایت می‌کند و خطیب بغدادی (م ۴۶۳) در تاریخش، جلد ۹، صفحه ۱۲۲ ابونصر را شیخ مشایخ خود خوانده است. بنابراین انساب آل ابي طالب نمی‌تواند تألیف وی باشد و ما نیز در ذریعه جلد ۲، صفحه ۳۷۷ به دلیل اشتباه کاتب به اشتباه افتادیم. (ج ۱۲، ص ۱۶۶)

محمد بن احمد جیهانی، کتاب المسالک و الممالک

در معجم البلدان در ماده «جیهان» «ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی» وزیر سامانیه نقل شده که از سوی کاتب تصحیف شده و «احمد بن محمد» درست است؛ چرا که در کتابهای وزراء تألیف جهشیاری، صفحه ۵۴ و معجم الادباء، جلد

۴، صفحه ۱۹۰ و فهرست ابن ندیم، صفحه ۱۹۸ به صورت «احمد بن محمد» ضبط شده است. (ج ۴، ص ۸۵)

نظیر علی، شرح حال شیخ بهایی و مشایخ او

صاحب ریاض کراراً مطالبی را از آن نقل کرده از جمله در شرح حال سید حسین مجتهد کرکی و حسین بن عبدالصمد. گاهی در ریاض از نویسنده به صورت فوق نام برده که شاید منشاء آن تصحیف ناخوش باشد و نام درست او مظفر الدین علی است. (ج ۴، ص ۱۵۳)

محمد باقر بن مرتضی یزدی حائری (م ۱۲۹۸)، تفسیر آیه النور
برخی از فضلا کتاب فوق را به وی نسبت داده‌اند. احتمالاً آن را با تفسیر برادرش سید حسین بن مرتضی اشتباه گرفته‌اند. (ج ۴، ص ۳۳۳)

برغانی قزوینی حائری (م ۱۲۷۵ ق)، برکات المشهد المقدس
کتاب فوق ترجمه عیون اخبار الرضا (ع) است و در نسخه چاپی آن، نام نویسنده به صورت فوق نوشته شده است. حال آنکه نویسنده آن، مولی محمد صالح بن محمد باقر قزوینی معروف به روغنی (م ۱۰۷۵) است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید نگهداری می‌شود. کتاب دیگر او شرح فارسی بر نهج البلاغه است که چاپ شده. (ج ۳، ص ۸۸)

ابراهیم شبشیری (م ۹۲۰)، تائیه

تائیه نظم ایساغوجی در منطق - تألیف اثیرالدین ابهری - است. در کشف الظنون ذیل «ایساغوجی» نام نویسنده به صورت فوق آمده که «شبشیری» تصحیف «شبستری» است. (ج ۳، ص ۲۰۱)

حسین بن محمد علی قاری بهشتی، تجوید قرآن

بهشتی در اواسط قرن نهم و پدرش در اواخر قرن هشتم می‌زیسته. قبل از قرن دهم اثری از نام‌های مرکب ندیده‌ایم، بلکه ترکیب نام‌ها با محمد یا علی از قرن دهم شروع شد. احتمال می‌دهیم کلمه «ابن» از میان «محمد» و «علی» افتاده باشد. ۲. (ج ۳، ص ۳۶۷)

ابن جنید اسکافی، الاربع

سید بحر العلوم در فوائد رجالیه کتاب فوق را از قول برخی به ابن جنید نسبت داده است. اما صحت این نسبت قابل تأمل است. (ج ۱، ص ۴۳۸)

ابوالقاسم فردوسی (م ۴۱۱)، خمسه فردوسی

ظاهر فهرست کتابخانه حالت افندی این است که نسخه آن در کتابخانه مذکور در اسلامبول وجود دارد. اما ظاهراً یا نسخه غلط است یا این که مراد از «خمسه» خصوص یوسف و زلیخا است که چاپ شده و منسوب به فردوسی است و عده‌ای از اهل اطلاع در صحت انتساب آن

به فردوسی تأمل دارند. با فرض صحت نسبت، دلیل نمی‌شود که جزء خمسه است؛ زیرا مبتکر مثنویات پنج‌گانه، نظامی گنجوی (م ح ۶۱۱) است و مثنویها سالها پس از فوت نظامی در یک مجلد جمع شد. (ج ۷، ص ۲۶۱)

محمد بن علی معروف به اعثم کوفی (م ح ۳۱۴)، فتوح یا فتوحات الشام

صاحب کشف الظنون، فتوح و فتوحات الشام را دو کتاب پنداشته و هر دو را جداگانه معرفی کرده است و ذیل فتوح، نام نویسنده را به اشتباه چنین نقل کرده است: «فتوح اعثم هو محمد بن علی المعروف بأعثم الکوفی»

بی تردید هر دو عنوان برای یک کتاب است و نام درست نویسنده چنین است: «ابو محمد احمد بن اعثم» یا قوت و نیز کشف الظنون ذیل «فتوحات الشام» از وی این‌گونه نام برده‌اند. نویسندگان دائرة المعارف الاسلامیه نیز متوجه تصحیف نشده و از او به محمد بن علی معروف به اعثم یاد کرده‌اند. چنین تصحیفی از قدیم بوده و در عصر مترجم کتاب، احمد بن محمد منوفی هروی که در سال ۵۹۶ آن را به فارسی برگردانده است، چنین تصحیفی صورت گرفته است. وی در آغاز ترجمه بیان می‌دارد که کتاب فتوح تألیف محمد بن علی اعثم کوفی در اختیار من است. (ج ۳، ص ۲۲۰ - ۲۲۱. ر. ک. ج ۱۶، ص ۱۱۹)

ابن جویری، نویسنده بغیة المريد في كشف احوال الشيخ زين الدين الشهيد

در جلد دوم فهرست کتابخانه سپهسالار در دو جای صفحه ۲۵۴ به جای «عودی»، «جویری» نوشته شده که غلط نسخه است. (ج ۸، ص ۷۶ - ۷۷)

عفیف الدین ابو محمد عبدالله یمانی یافعی شافعی (م ۷۶۸)، الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم

کتاب، فارسی و در سال ۱۳۱۱ در بمبئی چاپ شده است. بسیار بعید است که این کتاب تألیف یافعی باشد؛ زیرا شرح حال او در الدر الکامنه آمده است و وی عرب یمنی از اوایل قرن هشتم است و سفرهای او - چنان که در شرح حالش آمده - تنها به حجاز و شام و قاهره بوده و آموزش زبان فارسی در عصر او و در آن سرزمین‌ها معمول نبوده است و به فرض که امکان آن بوده و واقع هم شده، اما جمله‌هایی در آن یافت می‌شود که در کتاب‌های فارسی ابتدای قرن هشتم دیده نمی‌شود. مانند «در حدیث صحیح آمده که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - فرموده» یا «در حدیث صحیح از سلمان فارسی آمده» یا «در حدیث صحیح وارد شده» و امثال این جمله‌ها که در کتاب‌های فارسی عصر صفوی روایات این گونه توصیف می‌شده‌اند.

قرینه دیگر که نشان می‌دهد این کتاب چاپی، تألیف یافعی نیست، عبارت صفحه پنج است: «اما پیش طبقة امامیه - کثرهم الله - جایز



است.» شاهد دیگر فراوانی روایت از امام صادق (ع) با این جمله است: «از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است.» در بیشتر صفحه‌ها و در برخی چند بار از امام صادق (ع) روایت نقل می‌کند. شاهد دیگر این که هنگام ذکر خواص اسماء حسناى الهی فراوان آمده

است: «و حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) فرمود.» اما کتاب عربی منسوب به یافعی از همه اینها خالی است. گمان می‌رود این متن فارسی ترجمه کتابی از اصحاب است که به نام عربی آن نامیده شده است. (ج ۸، ص ۸۳ - ۸۵)

محمد علی کرمانشاهی ابن آغا بهبهانی (م ۱۲۱۶)، ربیع الازهار در فهرست کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء، نام نویسنده و تاریخ فوت به صورت فوق ضبط شده و موضوع آن اصول فقه نوشته شده است. شاید نویسنده فهرست اشتباه کرده و نام نویسنده «آغا احمد بن آغا محمد علی کرمانشاهی» است؛ چنان که در مرآة الاحوال آمده و موضوع کتاب ربیع الازهار تألیف آغا احمد نیز اصول فقه است. نسخه کامل آن را در کربلا دیدم که پایان تألیف آن ۱۲۲۶ می‌باشد و نسخه‌ای ناقص از آن را در تهران دیدم. (ج ۱۰، ص ۷۴ - ۷۵)

تقی الدین بن عبد الله حلبی، الايات النازلة في فضائل العترة الطاهرة نام فوق در کتاب ریاض به اشتباه این گونه ضبط شده است و منشأ آن ناسخ است. درست آن چنین می‌باشد: تقی الدین عبد الله حلبی. (ج ۱، ص ۴۹)

خلیل قزوینی، ابواب الجنان

رساله در کتابخانه وین در پایتخت اتریش وجود دارد؛ چنان که در فهرست آن آمده است. شاید با مولی رفیع الدین محمد بن فتح الله واعظ قزوینی (م ۱۰۸۹) اشتباه شده باشد. مولی رفیع، شاگرد مولی خلیل قزوینی و دارای کتابی به نام ابواب الجنان بوده است. (ج ۱، ص ۷۶)

محمود تبریزی، اثبات الواجب تعالی

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی به جای «تبریزی»، «تبریزی» ضبط شده است. (ج ۱، ص ۱۰۸)

نورالدین علی بن حسین کرکی (م ۹۴۰)، اجازه به عزالدین حسین بن شمس الدین استرآبادی

در اجازات متن چاپی بحر آمده که این اجازه را پس از خواندن قواعد علامه نزد کرکی، از وی در تاریخ ۹۰۷ گرفته است. این مطلب اشتباه است و اجازه دهنده، علی بن عبدالعالی میسی می‌باشد. (ج ۱، ص ۲۱۴)

اسحق بن یعقوب، اخلاق کندی

در جزء پنجم فرج المهموم تألیف سید بن طاووس نام نویسنده (ظاهراً از قول ابن ندیم) این گونه ضبط شده که ظاهراً منشأ اشتباه، کتابت است که نام پدر و پسر را جابه‌جا نوشته. اما ابن ندیم نام وی را ابو یوسف یعقوب بن اسحق کندی ضبط کرده و بقیه نسب او را تا یعرب بن قحطان یادآور شده است. (ج ۱، ص ۳۷۷)

عبدالرحیم بن محمد جذامی (م ۳۷۴)، دیوان خطب

شاید «جذامی» در مجالس المؤمنین از تصحیف نسخه آن باشد و درست آن «حذاقی» است؛ چنان که ابن خلکان ضبط کرده و کتاب مکرر چاپ شده است. (ج ۷، ص ۱۸۶)

محمد امین قزوینی، حاشیه بر کافی کلینی

ابوالمجد آقا رضا اصفهانی در بعضی تعلیقاتش نوشته: «این تعلیقات کتاب العقل و التوحید من أصول الکافی للشیخ الأجل المولی محمد امین القزوینی» ظاهراً مراد او حاشیه مولی محمد امین بن محمد شریف استرآبادی (م ۱۰۳۶) است و کلمه «القزوینی» در عبارت آقا رضا اصفهانی سبق قلم است. (ج ۶، ص ۱۸۱)

سعید بن صباح کوفی، کتاب الحديث

در اجازه سماه‌یجی به شیخ یاسین در آخر منية الممارسين، «جناح» به «صباح» تصحیف شده است. (ج ۶، ص ۳۳۵)

عمر بن رضيع، کتاب الحديث

در فهرست ابن ندیم، ص ۳۰۸ به صورت فوق آمده که شاید تصحیف شده و نام درست چنین است: عمر بن ربیع ابو احمد بصری که از امام صادق (ع) روایت می‌کند و نجاشی هم با پنج واسطه از او نقل می‌کند. در فهرست نیز این گونه آمده. (ج ۶، ص ۳۵۴)

علی بن سوید صنعانی، کتاب الحديث

شیخ، کتاب الحديث تألیف علی بن سوید سائی را در ابتدا و پس از آن، کتاب الحديث تألیف علی بن سوید صنعانی را معرفی می‌کند اما نجاشی، صنعانی را ذکر نمی‌کند. بنابراین تکرار و تصحیف در نسخه فهرست احتمال دارد. (ج ۶، ص ۳۴۹ - ۳۵۰)

معمربن یحیی بن مسافر، کتاب الحدیث

در فهرست و نجاشی به جای «مسافر»، «بسام» آمده، ظاهراً در خلاصه تصحیف شده است. (ج ۶، ص ۳۶۷)

عبدالله حسینی، کتابی در حکمت

نسخه آن را در میان کتاب‌های سید مهدی کاظمی دیدم. از آن به دست می‌آید که نام نویسنده سید عبدالله حسینی است. قطعاً در نام نویسنده تصحیف صورت گرفته و آن شرح میرحسین میبدی بر هدایة الابهريه است. (ج ۷، ص ۵۵)

اسحاق بن ابراهیم ثقفی، کتاب الحلال و الحرام

در چاپ کوچک اقبال، صفحه ۲۴۶ نام نویسنده به صورت فوق است. اما درست آن، این گونه است: ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی. (ج ۷، ص ۶۱)

احمد قمری، حل الطلسم

در فهرست کتابخانه مجلس از فهرست کتاب‌های عربی کتابخانه پاریس از وجود نسخه حل الطلسم تألیف ابوالعباس احمد قمری نقل کرده است. ظاهراً «قمری» تصحیف «قمی» است؛ چنان‌که در نسخه سید شهاب‌الدین [مرعشی نجفی] این گونه است. (ج ۷، ص ۷۰)

زید بن حسن بن محمد بیهقی، حلیۃ الاشراف

در فهرست شیخ منتجب‌الدین «ابوالحسنین زید بن حسن بن محمد بیهقی» آمده که اشتباه نسخ است. فرزند مؤلف ابوالحسن علی موصوف به فرید خراسان در تاریخ بیهقی و مشارب التجارب از پدر خود این گونه نام می‌برد: ابوالقاسم زید بن حاکم امام امیرک محمد بن حاکم ابو علی حسین. (ج ۷، ص ۸۰ - ۸۱)

حبه‌الله بن سعید، خراج و جرایح

کاتب کشف المحجّه تألیف سید بن طاووس نام قطب راوندی را به صورت فوق اشتباه نوشته است. نام درست وی چنین است: قطب‌الدین سعید بن هبة الله راوندی. (ج ۷، ۱۴۵ - ۱۴۶)

ابراهیم مستبشری (م ۹۱۷)، تائیه

در کشف الظنون در آغاز حرف تا می‌خوانیم:

تائیه فی النحو للشیخ ابراهیم المستبشری المتوفی سنة ۹۱۷، نظم فیها الکافیة و زاد علیها و سماها «نهاية البهجة» ثم شرحها شرحاً لطيفاً ممزوجاً و كان فريداً فی الصناعة و النظم يقال له سیبویه الثانی. در عبارت فوق «مستبشری» تصحیف «شبیستری» است. (ج ۳، ص ۲۰۱)

محمد بن مرشد متوشحی (م ۳۲۵)، تاریخ ابن ابی ازهر

نام نویسنده در رجال کبیر این گونه ضبط شده. نام درست او محمد بن مزید بن محمود خزاعی معروف به ابن ابی ازهر بوشنجی است. مسعودی در مروج الذهب و شیخ طوسی در رجال خود در باب «من لم یرو» و در نقد الرجال از او یاد کرده‌اند. در نقل رجال کبیر «مزید» به «مرشد» و نیز «بوشنجی» به «متوشحی» تصحیف شده و فاضل مامقانی نیز متوجه تصحیف اول شده است. (ج ۳، ص ۲۱۹)

حسن بن محمد بن جعفر تمیمی معروف به ابن نجار، تاریخ الکوفه

سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاووس (م ۶۹۲) در کتاب فرحة الغری، چاپ ۱۳۱۱ می‌نویسد:

ذكر أبو جعفر الحسن بن محمد بن جعفر التميمي المعروف به «ابن النجار» فی کتابه تاریخ الکوفه و هو الکتاب الموصوف بالمنصف قال: أخبرنا أبو بکر الدارمی.

مراد از دارمی در عبارت فوق، احمد بن محمد سری معروف به ابن ابی دارم کوفی مکنی به ابوبکر است که در سال ۳۳۰ به تلعبیری اجازه داد. از این‌جا به دست می‌آید که مؤلف، معاصر تلعبیری (م ۳۸۵) بوده است. شخص معروف به ابن نجار در آن طبقه، ابوالحسن محمد بن جعفر بن محمد تمیمی نحوی (م ۴۰۲) صاحب تاریخ الکوفه است و شرح حال او در کتب آمده است. اما در کتاب‌ها ذکر از حسن بن محمد بن جعفر معروف به ابن نجار به میان نیامده است. احتمال قوی می‌دهیم که مؤلف منصف که در فرحة الغری آمده و مؤلف تاریخ الکوفه که شرح حال او در منابع آمده یکی باشند و از سوی استنساخ کنندگان فرحة الغری تصحیف صورت گرفته و عبارت صحیح چنین است: ذکر ابوجعفر أو ابوالحسن محمد بن جعفر تمیمی معروف به ابن النجار.

استظهار علامه نوری در خاتمة مستدرک صفحه ۵۰۳ جا ندارد. وی بیان داشته که حسن مذکور در فرحة الغری مؤلف منصف است و او ابن ابی الحسن محمد بن جعفر مؤدب استاد نجاشی (م ۴۵۰) می‌باشد. بنابراین فرزند شیخ او یا معاصر او است و یا متأخر و مؤلف منصف از دارمی نقل می‌کند و او معاصر تلعبیری است. (ج ۳، ص ۲۸۱ - ۲۸۲)

عبدالجلیل حسین قاری، تجوید القرآن

در نسخه موجود در کتابخانه میرزا محمد تهرانی نام نویسنده این گونه ضبط شده است. احتمال دارد «حسین» تصحیف باشد و نام نویسنده «امیر عبدالجلیل حسینی» باشد که در ریاض آمده و احتمال دارد او عبدالجلیل بن حسین باشد که از قلم ناسخ افتاده است. (ج ۳، ص ۳۶۹)

علی بن حمزه اصفهانی (م ۳۵۶)، اعیان الفرس

وی صاحب آغانی است و در کشف الظنون «حسین» به «حمزه» تصحیف شده و منشأ آن ناسخ است. (ج ۲، ص ۲۴۹)

شاید آن، تصحیف عمادالدین محمد بن یحیی باشد؛ زیرا نسخه‌های متعدد حاشیه در کتابخانه آستانه موجود است و نام محشی در فهرست آن به صورت «عمادالدین یحیی» است و در سال ۱۲۸۳ به صورت متفرق چاپ شده و رمز این حاشیه «عمادالدین» است. (ج ۶، ص ۷۴)

خطائی، حاشیه بر مطول و مختصر

ظاهراً «خطائی» از غلط‌های مشهور است و «خطابی» درست است؛ زیرا در میان همه مأخذ شرح حال علما و نویسندگان، کسی را که منسوب به «خطا» باشد، نیافتیم. با اینکه دو شرح او بر مطول و مختصر مشهور است و مورد توجه فضلا بوده و آنها را استنساخ می‌کردند و بر آنها حاشیه می‌زدند. بنابراین محشی از مشاهیر عصر خود بوده و از کسانی نبوده که از ثبت شرح حال او غفلت شود به‌ویژه با توجه به اهتمام نویسندگان این قبیل منابع در گردآوری شرح حالها. با این وصف چگونه از این مؤلف که معاصرشان یا نزدیک عصرشان بوده غفلت می‌ورزند؟ ظن قوی این است که محشی مطول و مختصر همان کسی است که مؤلف شذرات الذهب در جلد ۸، صفحه ۱ شرح حالش را آورده و وفات او را ۹۰۱ نوشته است و یادآور شده که نجم غزی نیز شرح حالش را در الکواکب الساتره بأعیان المائة العاشره آورده. نام او چنین است: شهاب‌الدین احمد بن عثمان مشهور به ملازاده سمرقندی خطابی. البته وقتی آثار او را برمی‌شمرد، از این دو حاشیه او نام نمی‌برد؛ چنان‌که از حاشیه‌های او بر شرح مفتاح و تفسیر و مختصر تلخیص و بهائیه نام نمی‌برد.

در کشف الظنون از محشی مطول و مختصر این‌گونه نام می‌برد:
نظام‌الدین عثمان خطابی متوفای ۹۰۱.



نام محشی در کشف الظنون و شذرات از جهاتی با هم هم‌خوانی دارند. اما اختلاف در بعضی جهات مانعی ندارد؛ زیرا فراوان است که یک نفر چند لقب دارد و نیز افتادن کلمه‌ای از کاتب، شایع است. شاید «احمد بن» از قلم مؤلف یا ناسخ کشف الظنون افتاده است. (ج ۶، ص ۷۰-۷۱)

علامه مجلسی (م ۱۱۱۰)، الرسالة الرضاعیة

رسالة فوق فارسی، و با رضاعیات دیگر و نیز در کتاب کلمات المحققین

ابوالحسن بکری مصری، نویسنده الاتوار و مفاتیح السرور و الافکار علامه مجلسی هنگام ذکر فهرست منابع، در آغاز بحار، کتاب فوق و نیز کتاب‌های مقتل امیرالمؤمنین (ع) - و وفاة فاطمة الزهرا (س) را به ابوالحسن بکری مصری (م ۹۵۳) - که شهید ثانی در مصر نزد او مطالبی را خوانده - هنگام ذکر منابع خاصه نسبت داده است. ظاهراً وی همان شخصی است که در شذرات الذهب او را این‌گونه توصیف کرده است: علاءالدین ابوالحسن علی بن جلال‌الدین محمد بکری صدیقی شافعی صوفی و متبحر در فقه و حدیث و تفسیر صاحب شرح منہاج و شرح روض و شرح عیاب است. در قاهره به سال ۹۵۲ فوت و در جوار امام شافعی مدفون شد.

ظاهراً او همان کسی است که زرکلی در الاعلام به نقل از دو کتاب خطی السنا الباهر و النورالسافر این‌گونه معرفی کرده است: محمد بن محمد بن عبدالرحمن ابوالحسن بکری صدیقی، مفسر فقیه مصری متولد ۸۹۹ و متوفای ۹۵۲. زرکلی ازجمله تصانیف او را تفسیر، شرح عیاب و شرح منہاج شمرده است.

بنابراین هیچ‌کدام از کتاب‌های سه‌گانه‌ای که علامه مجلسی به ابوالحسن بکری مصری نسبت داده است در شذرات الذهب و الاعلام جزء آثار او ذکر نشده است. به علاوه ابن تیمیه (م ۷۲۸) در منہاج السنه ذکر می‌کند که ابوالحسن بکری مؤلف الاتوار اشعری بوده و این نشان می‌دهد که وی متقدم بر ابن تیمیه بوده تا چه رسد به عصر شهید ثانی! سمهودی در تاریخ المدینة که در سال ۸۸۸ نگارش یافته، غالب سخنان ابوالحسن بکری را باطل و دروغ خوانده است.

گمان می‌رود که ابوالحسن بکری - صاحب کتاب‌های سه‌گانه - از متقدمین و نام او احمد بن عبدالله باشد؛ چنان‌که در کشف الظنون آمده است و علت اتهام او به دروغ و فساد مذهب، شیعه بودن او است. (ج ۲، ص ۴۰۹-۴۱۱)

خلیل بن محمد قرمانی رضوی، حاشیه بر تحریر القوائد المنطقية

ظاهر توصیف محشی به «رضوی» این است که او از سادات رضوی است و شاید «قرمانی» تصحیف «قمی» باشد؛ زیرا بیشتر سادات رضوی قمی بوده‌اند. ظاهر دیباجه این است که وی شاگرد الهی اردبیلی (م ۹۵۰) بوده و نسخه‌ای از آن را دیده‌ام که پایان تحریر آن، سال ۹۹۲ است (ج ۶، ص ۳۵)

صدر بن محمد بن ابراهیم، حاشیه بر حاشیه خفیه و حاشیه جلالیه دوانیه

در بعضی نسخه‌های کتاب فوق، نام محشی اشتباه نوشته شده که صحیح آن میرزا ابراهیم بن مولی صدرا شیرازی است. (ج ۶، ص ۶۵)

عماد بن محمد بن یحیی فارسی، حاشیه بر تحریر القواعد المنطقية

در کشف الظنون، جلد ۲، صفحه ۶۹ نام محشی به صورت فوق آمده،

در ایران و با شش رساله دیگر از علامه محمد باقر مجلسی در هند چاپ شده است.

شاید نام نویسنده با نام پدرش مولی محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰) اشتباه شده باشد؛ چرا که وی الرسالة الرضاعیه را در فهرست آثار خود نقل کرده است و من چهار نسخه آن را به نام مولی محمد تقی دیده‌ام. (ج ۷، ص ۱۸۹ - ۱۹۰)

آقا نجفی اصفهانی، رساله فی اربعین حدیثاً

سید امیر علاءالدین گلستانه (م ۱۱۱۰) صاحب روضة العرفاء، رساله‌ای در چهل حدیث دارد، اما همان کتاب چاپ شده و به آقا نجفی اصفهانی نسبت داده شده است. (ج ۱۱، ص ۵۲)

قطب الدین کندری، اصباح الشیعة بمصباح الشریعة

علامه مجلسی در آغاز کتاب فوق را به نظام‌الدین صهرشتی - شاگرد سید مرتضی و شیخ طوسی و نجاشی و ابوالفرج مظفر قزوینی - نسبت داده است. صاحب ریاض پس از این که سخن علامه مجلسی را استظهار می‌کند، می‌گوید: از روی نسخه‌ای عتیق از اصباح الشیعه به دست می‌آید که آن تألیف صهرشتی است، لیکن در متن آن، چیزی وجود ندارد که نشان دهد از آثار صهرشتی است. از کتاب‌های شهید به دست می‌آید اصباح الشیعه تألیف قطب‌الدین کندری است؛ زیرا عبارات شهید از کندری در اصباح الشیعه هم وجود دارد.

صاحب ریاض اعتراف دارد که منشأ شهرت نسبت اصباح الشیعه به صهرشتی، نسخه‌ای عتیق است و با صرف برابر بودن عبارات منقول از کندری - که صد سال پس از صهرشتی بوده - با اصباح، نمی‌توان از نسبت آن به صهرشتی دست برداشت؛ زیرا غالباً تعابیر احکام فقهی متاخران به‌ویژه احکام اجماعی و مشهور با تعابیر متقدمان برابر است. ظاهراً این کتاب برای شیخ نظام‌الدین صهرشتی است. (ج ۲، ص ۱۱۸ - ۱۱۹)

حسن بن دربی، ارجوزه فی تاریخ القاهرة و ارجوزه فی تاریخ الملوك و الخلفاء

صاحب کشف الحجب این دو ارجوزه را به نویسنده فوق نسبت داده است. ظاهراً این مطلب را از امل الامل گرفته است. شیخ حر در ابتدا حسن بن دربی را معرفی می‌کند و بدون فاصله حسن بن راشد حلی صاحب الجمانة البهیه را، اما از نسخه امل الامل که در اختیار صاحب کشف الحجب بوده، نام حسن بن راشد افتاده بوده و آن دو ارجوزه را از حسن بن دربی پنداشته در حالی که تألیفی به نظم و نثر از وی شناخته نشده است. (ج ۱، ص ۴۶۴ - ۴۶۵)

حسن بن راشد (صاحب الجمانة البهیه)، ارجوزه فی تاریخ القاهرة و ارجوزه فی تاریخ الملوك و الخلفاء

صاحب الجمانة البهیه شاگرد فاضل مقداد (م ۸۲۷) بوده و وفات استادش را ضبط کرده است. وی متأخر از فقیه و شاعر تاج‌الدین حسن بن راشد معاصر فخرالمحققین (م ۷۷۱) است. احتمال دارد دو ارجوزه مذکور برای تاج‌الدین باشد که تقدم زیادی بر صاحب جمانه داشته و علت نسبت دادن شیخ حر به صاحب جمانه این بوده که اطلاعی از تاج‌الدین نداشته لذا شرح حال او را نیز نیاورده است با این که او از مشایخ فقها و مجتهدین بوده است. (ج ۱، ص ۴۶۴ - ۴۶۵)

پی‌نوشتها

۱. شاهد دیگر که نشان می‌دهد الزام التواصب برای سید بن طاووس نیست عبارت زیر در مقدمه آن است: «علم انی رجل من اهل الكتاب سألت الله الهدایة الی الصواب و هدیانی الله لدین الاسلام الذی اوجبه علی جمیع الانام.» عبارات فوق و عبارات مشابه که تا پایان کتاب چند بار تکرار می‌شود، نشان می‌دهد که نویسنده در ابتدا مسلمان نبوده است.
۲. مؤید احتمال شیخ آقا بزرگ این است که در گذشته و حتی در زمان ما در بعضی مناطق مرسوم بوده و هست که واژه «ابن» یا «پسر» را از میان نام شخص و پدرش می‌انداختند؛ چنان که «عمار یاسر» و «عمار بن یاسر» هر دو را به کار می‌برند.
۳. ظاهراً مراد آقا بزرگ این است که این حاشیه با حاشیه‌های دیگر بر تحریر القواعد المنطقیه با هم چاپ شده و رمز این حاشیه «عمادالدین» است.

گزیده مقالات الذریعه / علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی / ترجمه حمیدرضا شیخی / بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی / چاپ اول / ۱۳۸۰.

کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه اثر علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی - رضوان الله تعالی علیه - علاوه بر اطلاعات کتابشناختی، شامل افادات پرباری در دیگر زمینه‌های معرفتی آن علامه مرحوم است. بسیاری از این افادات که خارج از موضوع کتابشناسی در الذریعه گنجانیده شده، هر یک در جای خود از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است. به همین دلیل بسیاری از ارادتمندان آن علامه فقیه و علاقه‌مندان معارف شیعه آرزو داشته‌اند، این یادداشتها و مقالات استخراج و به صورتی جداگانه تدوین و ترجمه شود که بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی این مهم را فراهم آورده این گفتارها و مباحث ارزنده کلامی، تاریخی، جغرافیایی، ادبی و ... را به فارسی ترجمه کرده است.

